



انترناسیونال

۱۷۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۵ دی ۱۳۸۵، ۵ ژانویه ۲۰۰۷

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

۶ آذر امسال آینه تمام عیار سال گذشته نگاهی گذرا به سال گذشته در ایران



شهلا دانشفر

مبارزات دانشجویان با کارگران و جنبش آزادی زن و پلاکاردهایی در آزادی زندانیان سیاسی فضای

صفحه ۲

رفت و ما قدرتمایی این چپ را در پلاکاردهای سرخی که در ۱۶ آذر امسال برافراشته شده به وضوح دیدیم. دیدیم که چگونه شعار سوسیالیسم یا بربریت در میان دیگر پلاکاردها میدرخشید و این شعار در کنار پلاکاردهای دیگر که بر همبستگی

سال گذشته سال چپ و سوسیالیسم بود
یک برجستگی مهم سال گذشته رنگ سرخ و رنگ چپ جامعه بود. در سال گذشته آشکارا از گسترش شبخ لنین بر فضای جامعه سخن گفته شد. از حضور قدرتمند چپ در دانشگاهها و در میان جوانان سخن

سال گذشته سال کارگران و سال چپ و سوسیالیسم بود. تصویر واقعی سال گذشته را میتوان در ۱۶ آذر سرخی دید که شعار سوسیالیسم یا بربریت پیام آن بود. سال گذشته از چند جنبه ویژگی داشت در این جا سعی میکنم به این جنبه ها اشاره ای داشته باشم.

تجمع و تظاهرات اعتراضی مردم سقر نمایش قدرت مردم علیه رژیم بود

صفحه ۵

جمهوری اسلامی نمی تواند مشکل بیکاری را حل کند! کارگران "ایران صدرا" فقط به پیش!

خشنودی لیبرالیسم ایرانی از اعدام صدام حسین!

ناصر اصغری

صفحه ۴

پشت صحنه اعدام صدام! گرمای زمین به نقطه غیر قابل بازگشت میرسد!

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه

صفحه ۸

اعدام صدام حسین معنی واقعی دمکراسی در عراق



بهرام سروش

اعدام صدام چهره نظامی را که قرار است از نظر دولت آمریکا و غرب و حکومت اهداتی بوش و بلر شکل بگیرد آشکار می کند. اعدام صدام ادامه جنگ علیه انسانیت و مدنیت در عراق در خدمت سیاست دولت آمریکا برای گسترش نفوذ خود در خاورمیانه و سراسر جهان است. جنابیتی دیگر از طرف قدرتی

اعدام صدام حسین توسط دولت آمریکا و رژیم دست پرورده آن در عراق، صحنه کثیف دیگری از بربریت سرمایه داری جهان حاضر را در عراق به نمایش گذاشت. کسانی که خود باید مانند صدام حسین بخاطر جنایاتشان علیه بشریت در صندلی اتهام قرار گیرند، برای سرپوش گذاشتن بر اسرار همکاری شان با دولت بعث، برای توجیه شکست سیاسی و نظامی شان در عراق و مهمتر از همه برای ارباب مخالفین امروز و فردای حکومت عراق و گذاشتن سنگ بنای قتل دولتی بعنوان پاسخ هر گونه اعتراض سیاسی، در یک نمایش وحشت و خون، صدام را به دار آویختند.

صفحه ۶

اتوبوس زنانه و حجاب

صفحه ۶

شراره نوری



سیاوش دانشور

صدور این قطعنامه باتفاق آرا نشان هیچ اتحاد پایداری میان اعضای شورای امنیت نیست. چین و روسیه و بخش کشورهای اروپای غربی متحذین تجاری جمهوری

صفحه ۳

در باره تحریم و قطعنامه شورای امنیت

روز ۲۳ دسامبر، شورای امنیت سازمان ملل متحد باتفاق آرا قطعنامه ای علیه رژیم اسلامی صادر کرد. این قطعنامه اساسا به بلوک کردن حسابهای بانکی عناصر و نهادهائی از رژیم که در معاملات نظامی - هسته ای دست دارند و ممنوعیت فروش کالاهائی که در تاسیسات اتمی قابل استفاده هستند را مد نظر دارد. صدور چنین قطعنامه ای چه مخاطراتی را برای مردم و جنبش علیه جمهوری اسلامی دارد؟ این قطعنامه چه نیروهائی را به تحرك وامیدارد؟ آیا این قطعنامه مقدمه ای بر تحریم تجاری و اقتصادی است؟ آیا باید از صدور این قطعنامه استقبال کرد و یا باید آنرا محکوم کرد؟ خطوط یک موضع اصولی و کمونیستی در قبال این رویداد کدام است؟

روز ۲۳ دسامبر، شورای امنیت سازمان ملل متحد باتفاق آرا قطعنامه ای علیه رژیم اسلامی صادر کرد. این قطعنامه اساسا به بلوک کردن حسابهای بانکی عناصر و نهادهائی از رژیم که در معاملات نظامی - هسته ای دست دارند و ممنوعیت فروش کالاهائی که در تاسیسات اتمی قابل استفاده هستند را مد نظر دارد. صدور چنین قطعنامه ای چه مخاطراتی را برای مردم و جنبش علیه جمهوری اسلامی دارد؟ این قطعنامه چه نیروهائی را به تحرك وامیدارد؟ آیا این قطعنامه مقدمه ای بر تحریم تجاری و اقتصادی است؟ آیا باید از صدور این قطعنامه استقبال کرد و یا باید آنرا محکوم کرد؟ خطوط یک موضع اصولی و کمونیستی در قبال این رویداد کدام است؟

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ ۱۶ آذر امسال ...

رزمنده و میلیتانت ۱۶ آذر امسال را میساخت. قبل از ۱۶ آذر نیز در تجمع چند هزار نفره به مناسبت روز کودک بود که قطنامه های آن بر جهانی وارونه اشاره داشت و در آن از سوسیالیسم به عنوان تنها آلترناتیو سخن میگفت و ما پیام چپ و پیام سوسیالیسم را در مناسبت های مختلف در اول مه، در هشت مارس، در روز جهانی کودک و بالاخره در ۱۶ آذر رستار از هر وقت شنیدیم. دو روز بعد از شانزده آذر نیز، گردهمایی بزرگی به مناسبت گرامیداشت محمد جعفر پوینده و محمد مختاری را داشتیم که شرکت کنندگان در مراسم دست در دست هم دادند و در حلقه ای بزرگ سرود انترناسیونال سر دادند. سال گذشته بیش از هر وقت نشان داد که جامعه دارد ما را فرامیخواند و به این اعتبار سال ۲۰۰۶ سال ما کمونیستها بود.

سال گذشته
سال کارگران بود

دیمه گذشته بود که ما شاهد اعتصاب با شکوه کارگران شرکت واحد بودیم. مبارزه ای که هنوز هم ادامه دارد و کارگران واحد برای تشبیت تشکل خود و دیگر خواسته هایشان مبارزه کردند و تسلیم نشدند. جمهوری اسلامی تلاش کرد با سرکوب مانع اعتصاب کارگران در دیمه گذشته بشود ولی نتوانست و این خود یک شکست سیاسی برای رژیم بود. با اعتصاب کارگران شرکت واحد و مبارزاتشان توازن قوای سیاسی جامعه تغییر کرد و جنبش اعتراضی کارگران در موقعیت جدیدی قرار گرفت و طبقه کارگر وزن سنگینتری در اوضاع متحول سیاسی جامعه پیدا کرد. ما تاثیرات این مبارزات را در بخش های مختلف کارگری در طول سال گذشته دیدیم. مبارزاتی که نتوانست بطور بیسابقه ای صف جدیدی از رهبران کارگران را به جلو بیاورد و کارگران را به جلوی صحنه سیاسی جامعه بکشاند. مبارزاتی که با دست گذاشتن بر خواسته های سراسری کارگری از جمله حق ایجاد تشکل آزاد کارگری و به رسمیت شناختن تشکل آنان یعنی سندیکای واحد، انحلال شوراهای اسلامی، انعقاد

قراردادهای دسته جمعی و افزایش دستمزدها، رنگ تعرضی تری به خواستها و مبارزات کارگران در سال گذشته داد. سال گذشته ما همچنین شاهد مارش بزرگ اول مه در خیابانهای تهران بودیم. خانه کارگر و شوراهای اسلامی تلاش کردند که با شعار انرژی هسته ای حق مسلم ماست کارگران را به پشت رژیم اسلامی بکشاند. کارگران با شعار آزادی برابری حق مسلم ماست، نه جنگ نه بمب اشتغال اشتغال، صدای اعتراض خود را عملاً علیه هر دو قطب تروریست جهانی، علیه جمهوری اسلامی و اسلامی سیاسی و میلیتاریسم امریکا بلند کردند و پیشتاز این مبارزه شدند. کارگران در اول مه سال گذشته با این حرکت خود صف خود را از مزدوران شوراهای اسلامی و خانه کارگر جدا کردند و در برابر چشمان حیرت زده آنان دست به یک قدرتنمایی بزرگ زدند. این خود یکی از اتفاقات مهم در سالی که گذشت بود.

در کل ما در سال گذشته شاهد روند رو به رشد اعتراضات کارگری بودیم. اعتراضاتی که از سطح کارخانجات فراتر رفته و به قلب جامعه کشیده شدند و بطور مثال خود رژیم از رشد اعتراضات کارگری در شهر قزوین و گسترش این مبارزات در بخش وسیعی از کارخانجات در این شهر و از خطر بوجود آمدن کانونهای جدید بحران در این شهر و در دیگر شهرها سخن گفت و اشاره آن به کشیده شدن این اعتراضات به سطح شهرها و شورش های شهری بود. در همین رابطه بود که یکی از نمایندگان مجلس اشاره به این داشت که چه با سرکوب چه بی سرکوب کارگران دست به اعتراض میزنند و خواسته های خود را طلب میکنند و این چیزی است که امنیت نظام را به خطر انداخته است و با فریاد اینکه اسلام در خطر است، مقامات دولت را هشدار داد. از جمله در سال گذشته ما شاهد اعتراضات همزمان چندین کارخانه با هم در شهرهایی چون سنج و قزوین بودیم که کل فضای این شهرها را به جنب و جوش درآورد و به طور مثال در سنج ۵ کارخانه با هم دست به

تجمع اعتراضی زدند و خواستار مطالباتی چون بیمه بیکاری، لغو قراردادهای موقت، متوقف شدن اخراجها شده و حق تشکل و حق اعتصاب را حق مسلم خود دانستند. همچنین از نمونه های دیگر مبارزات مهم کارگران در سال گذشته اعتصاب بیش از ۸ هزار کارگر کشت و صنعت کارون، راهپیمایی کارگران کاغذسازی کارون شوشتر و انعکاس وسیع این اعتراض در تمام منطقه و نیز بیش از ده روز اعتصاب کارگران کشتی سازی ایران صدرا در بندر بوشهر بود که در همین هفته گذشته با موفقیت به پایان رسید.

سال گذشته همچنین سال تلاش بیشتر کارگران برای متشکل شدن بود. کارگران با اعلام تشکل های خود در اینجا و آنجا نظیر ایجاد اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و یا انجمن صنفی کارگران موسسات غرب تهران و غیره عملاً و بار دیگر نشان دادند که ایجاد تشکل کارگری امر خود کارگران است و کارگران برای ایجاد تشکل های خود منتظر کسب اجازه از مقام و مرجعی نخواهند نشست.

بعلاوه سال گسترش سال بیشترین همبستگی بین المللی کارگری بود. نمونه برجسته این همبستگی ها اعلام ۱۵ فوریه بعنوان روز همبستگی بین المللی کارگری با کارگران ایران و کارگران شرکت واحد بود که نتیجه فوری آن آزادی بیش از هزار کارگر شرکت واحد از زندان بود. این خود حرکتی بیسابقه در جنبش کارگری ایران و در سطح جهانی بود. حزب کمونیست کارگری ایران در همین رابطه و برای رساندن صدای اعتراض کارگران به سطح بین المللی تلاش گسترده ای کرد و یک نمونه با شکوه آن حضور هیات حزب کمونیست کارگری ایران در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار "آی ال او" بود. در آنجا بهرام سروش از طرف این هیات به پشت تریبون رفت و اعتراض کارگران در ایران را به شرکت هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس اعلام کرد و گفت که به نمایندگی از کارگران ایران سخن میگوید و در سخنرانی کوتاه خود با ارائه فاکتهایی گوشه کوچکی از جنایات رژیم را نشان داد. اینها همه نمونه های برجسته ای از حال و هوای جنبش کارگری

در ایران در سال گذشته بود.

جنبش آزادی زن
در سال گذشته

بطور واقعی ما شاهد رشد بالنده جنبش آزادی زن در سال گذشته هستیم. سال گذشته بیش از هر سال در دانشگاهها و در میان جوانان ما شاهد مبارزه علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی بودیم و این دو خواست پرچم اعتراض در هر حرکت و مناسبتی بود. اعتراض علیه حجاب اسلامی در سال گذشته آنچنان ابعاد گسترده ای پیدا کرد که بطور مثال در روزنامه جمهوری اسلامی بود که خبر برداشتن حجاب از سوی برخی از زنان در خیابانهای بالای شهر و رانندگی بدون حجاب از سوی آنان منتشر شده بود که در آن ضمن اشاره به سست شدن پایه های نظام بر شدت عمل بیشتر در قبال این زنان تاکید شده بود. و یا خبر برداشتن حجاب از سوی زنی که در تهران دست به آن زده بود و عکس آن در روزنامه ها منتشر شد به یک موضوع مهم اجتماعی تبدیل شد که در همه جا در موردش بحث بود. میتوان گفت در ادامه رشد جنبش اعتراضی برای آزادی زن و رشد هر روزه آن در سال گذشته بود که ما شاهد تحرك بیشتری در میان گرایشات دوم خرداد تحت عنوان کمپین یک میلیون امضا بودیم و رهبران این خط و این گرایش تلاش کردند با شعار اسلام با حقوق زن مغایرتی ندارد و با پرچم تغییر در قانون اساسی جمهوری اسلامی جلودار این جنبش شوند. اما جنبش اعتراضی موجود در جامعه هر روز قویتر شده و عملاً بازار آنها کساد ماند و پیام جنبش چپ و رادیکال را ما در سال گذشته در شعارهای ۱۶ آذر شنیدیم که فریاد میزد آزادی زنان آزادی جامعه است. و با شعار سوسیالیسم یا بربریت آلترناتیو چپ را در برابر کل جامعه قرار میداد. ما بویژه چهره رادیکال و میلیتانت جنبش آزادی زن را در ۸ مارس سال گذشته دیدیم که علیرغم سرکوب و ممانعت رژیم و علیرغم دستگیریها، زنان و مردان آزادیخواهی که برای گرامیداشت این روز به خیابانها آمده بودند به وسعت فاصله پارک لاله تا پارک دانشجو ساعتها در خیابانها ماندند و با نیروهای انتظامی درگیر شدند و سرود آزادی سر دادند و با

عزمی جزم این روز بزرگ جهانی را جشن گرفتند.

قدرت گیری یک جنبش
وسیع علیه اعدام

سال گذشته سال رشد جنبش اعتراضی علیه اعدام بود. این را ما در کمپین اعتراضی علیه حکم اعدام کبری رحمانپور و لیست امضاهاهایی که در اعتراض به آن در ایران و در سراسر جهان انجام گرفت میتوانیم ببینیم. بویژه این را در استقبال انسانهای آزادیخواه از فراخوانی که از سوی خانواده کبری رحمان پور، فاطمه حقیقت پژوه، نازنین فاتحی و شهلا جاهد که فرزندانشان در زیر خطر اعدام قرار دارند و اجتماعی که بدین مناسبت در دوم مهر ماه در تهران در برابر دفتر سازمان ملل انجام گرفت، دیدیم. مجموعه این اتفاقات نشان میدهد که امروز در ایران مبارزه علیه اعدام به یک جنبش قوی و گسترده در جامعه تبدیل شده است.

اعتراضات گسترده
در آذربایجان

یک اتفاق مهم در سال گذشته اعتراضات گسترده مردم در آذربایجان بود. این اعتراض در رابطه با تبلیغات فاشیستی یک روزنامه دولتی علیه مردم در آذربایجان و تحقیر زبان ترکی که آشکارا میخواست نفرت قومی و ملی ایجاد کند، شروع شد و جریانات قومی راست و ناسیونالیست تلاش کردند بر موج اعتراض مردم سوار شوند و به اعتراض برحق مردم به این تبلیغات، رنگ قومی و ملی دهند. جریانات قومی با مستهجن ترین و فاشیستی ترین تبلیغات سعی کردند توجه مردم را از اعتراض به جمهوری اسلامی و روزنامه رسمی دولتی اش منحرف کرده و آنرا به نفرت قومی تبدیل کنند. اما سرعت فضا برگشت. بطور مثال هنگامیکه تلویزیون کانال جدید برنامه های مستقیم تلویزیونی خود را گذاشت مستقیماً بر روی برنامه تلویزیونی گونا که همزمان دست به کار تبلیغات کثیف و فاشیستی ای زده بود و آشکارا مبلغ سناریوی سیاه و جنگ قومی بود، فشار سیاسی گذاشت. این اتفاقات هشدار دهنده بود و وظایف سنگینی بر روی دوش

از صفحه ۱

در باره تحریم ...

اسلامی هستند و حاضر نیستند منافع اقتصادی شان را فدای سیاستهای دولت آمریکا کنند. احتمال اینکه این روند "اتحاد" در گامهای بعدی نیز ادامه یابد بسیار ضعیف است. اگر این اتحاد شورای امنیت مسئله ای را منعکس میکند اینست که سیاست دیپلماتیک رژیم اسلامی برای بازی کردن در شکاف دولتها در ایندور شکست خورد. این شکست اولین پیامدش تشدید جدال جناحها و باندهای درون حکومتی برای برون رفت از این بحران و تحمیل هژمونی سیاسی خود است. یک هدف جانبی این اعمال فشار جهانی نیز تقویت خطی در درون هیئت حاکمه رژیم اسلامی است که از روند سازش با غرب استقبال میکنند. هدف این قطعنامه تا به اوضاع داخلی رژیم مربوط است، انزوای خط احمدی نژاد- خامنه ای و میدان دادن به خط رفسنجانی- خاتمی - کروی و اپوزیسیون مجاز حکومت اسلامی است. در بعد جهانی و منطقه ای این قطعنامه تلاش میکند فشار آمریکا را روی رژیم اسلامی حفظ کند و از آن بعنوان یک کارت در مذاکرات پیرامون مسائل منطقه و مشخصا عراق استفاده کند. سبک مذاکره- جدال- مذاکره دستکم از مجرای پرونده هسته ای افت و خیزهای مختلفی را داشته است و این قطعنامه هم یک نقطه عطف آنست. اما نه شروعی برای سرازیری و رفتن به طرف جنگ و آپشن نظامی است و نه قرار است بلافاصله به تحریمهای اقتصادی و تجاری منجر شود. هنوز ایستگاههای زیادی در این مسیر وجود دارند.

تحریم اقتصادی؟

این قطعنامه ای مبنی بر تحریم تجاری و اقتصادی، یعنی تحریم کالاهای مورد نیاز مردم نیست. اعمال محدودیتی محدود به فروش کالاهای است که مصرف نظامی و تسلیحاتی دارند. حزب ما در مورد تحریم اقتصادی موضع روشنی دارد. تحریم اقتصادی یک سلاح کشتار جمعی است که ضربات و پیامدهای آن را در رژیمهای مستبد و مورد تحریم بلکه مردم میبینند. تحریم اقتصادی عراق و یا قبلتر

ضمنی، با اعتراض به مناسبات ناعادلانه دنیای امروز از تسلیح رژیم اسلامی دفاع میکنند، قبل از اینکه به نظام نابرابر دنیای امروز خدشه ای وارد کنند پایه های سببیت آن را تحکیم میکنند. مسابقه تسلیحاتی تنها منجر به تهدید جنگ و وقوع جنگ و کشتار و فقر بیشتر مردم و میلیتاریزه کردن جوامع میشود. چه همه دولتها حق داشته باشند و چه عده ای نداشته باشند. ما بعنوان یک طرف درگیر در این جدال از چنین حقوقی برای هیچ دولت بورژوازی دفاع نمیکنیم و سیاست ما بر یک خاورمیانه و دنیای بدون سلاح هسته ای متمرکز است. همین امروز اعلام میکنیم که جمهوری سوسیالیستی فدای ایران یک کشور مخالف تولید سلاح هسته ای است. بنابراین در جدال امروز ما نه نفعی در تسلیح رژیم اسلامی داریم و نه نفعی در پیشروی سیاستهای دولت آمریکا. ما علیه هر دوی این سیاستها هستیم. ما سیاست مستقل کمونیستی خود و منافع مستقل مردم و جنبش مان را مد نظر داریم. لذا نه فقط صدور چنین قطعنامه ای را محکوم نمیکیم بلکه محکومیت آنرا یک سیاست پرو جمهوری اسلامی میدانیم. همینطور هرگونه جانبداری از صدور قطعنامه شورای امنیت را که توسط جریان راست مطرح شدند، سیاستی ارتجاعی و پنتاگونیستی برای موج سواری سیاسی علیه مردم و کارگران میشناسیم و ماهیت ضد انسانی اهداف سیاسی طرفداران آنرا افشا میکنیم. بحث ما اینست که رژیم اسلامی باید تماما توسط مردم خلع سلاح شود. دولتهائی که این رژیم ارتجاعی را سرکار آورده اند، اگر دست از حمایت از آن بردارند و تجهیزات نظامی و جاسوسی و اطلاعاتی و تولید پارازیت و غیره در اختیارش نگذارند، مردم بسرعت زیر پرچم کمونیسم کارگری این رژیم را سرنگون میکنند. ما در جدال ارتجاعی دولتهای بوش و احمدی نژاد نه ناظر و داویریم و نه "مجری عدالت" بین دولتها. ما با هر دو طرف بعنوان یک اردوی راست جهانی درگیر هستیم و موظفیم سیاستی را اتخاذ کنیم که جنبش آزادی و برابری بتواند پیشروی کند و کل این بازی را بهم بزند.

پیامدهای تاکنونی این قطعنامه

صدور چنین قطعنامه ای چه مخاطراتی را برای مردم و جنبش علیه جمهوری اسلامی دارد؟ یک خطر اینست که این قطعنامه میتواند به سطوح بالاتری ارتقا یابد. موضع ما و سیاست ما در چنین اوضاعی که بسادگی قابل تحقق نیست روشن است. ما از موضع منافع مردم محکم در مقابل چنین سیاستی می ایستیم. اما رژیم اسلامی تلاش میکند از این مجرا فضا را میلیتاریزه کند و حمله به مردم و مخالفین را توجیه کند. سرمایه داران و رژیمشان منتها درجه تلاششان را خواهند کرد که جیب خالی مردم را خالی تر کنند. گزارشات تاکنونی از گرانی و کمبود کالاها و احتکار خبر میدهند. کارگران و مردم باید محکم در مقابل جمهوری اسلامی بایستند و قاطعانه علیه این سیاست فرصت طلبانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی اعتراض کنند. مسئله بسادگی اینست که هر نوع ممنوعیت فروش کالاها یا نظامی ربطی به قیمت نان و گوشت و نیازهای روزمره مردم ندارد. جمهوری اسلامی قبل از تحریم این کالاها درآمد نفت و کلا درآمدهای دولت را صرف نیازهای مردم و رفاه جامعه نمیکرد که حالا مجبور شده باشد این درآمدها را به خرید کالاهای تحریمی اختصاص دهد. این ماهیت کثیف و استثمارگرانه و ضد انسانی سرمایه داری است که از هر بهانه ای وسیله ای برای حمله به معیشت مردم و آزادی و حقوق شان میتراشد. جنبش آزادی و برابری باید اعلام کند ما نیازی به بمب و موشک و ابزار جاسوسی و اطلاعاتی نداریم و هر نوع اعمال فشار اقتصادی به معیشت مردم و تحمیل اختناق سیاسی رژیم را باید محکم پاسخ دهد. مردم مسئول سیاستهای جاه طلبانه و تروریستی رژیم اسلامی نیستند.

یک پیامد دیگر صدور این قطعنامه تحرکی است که فی الحال در میان اپوزیسیون راست ایران ایجاد میکنند. حمایت سازمان مجاهدین و سلطنت طلبان از این قطعنامه البته جدید نیست. اینها سنا از سیاست تحریم اقتصادی هم

حمایت میکردند. این حمایت و رضایت با استراتژی سیاسی این جریانها منطبق است. برایشان هم مهم نیست در پس تحریم اقتصادی و تداوم آن چه به روز مردم می آید. اگر قرار باشد این نیروها به دروازه قدرت سیاسی در ایران نزدیک شوند، راهی جز جلب حمایت دولت آمریکا و بعنوان یک بازیگر استراتژی آمریکا ندارند. این قطعنامه تحرکی را در صفوف راست اپوزیسیون و جریانهای قومی و ملی دامن میزند و شاید برای دوره کوتاهی شکست استراتژی تاکنونی شان را با این قطعنامه و این تحلیل که دور جدیدی از اعمال فشار جهانی به رژیم اسلامی شروع شده التیام بدهند و در پس آن آمیدی به تکرار عراق در ایران جستجو کنند. در سطح اپوزیسیون مجاز ملی اسلامی و بقایای دو خرداد، در عین حال که تلاش میکنند خط سازشی را با آمریکا و تداوم مذاکرات پیش برند، یک هدف دیگرشان دمیدن در تمایلات ناسیونالیستی و دامن زدن به یک سیاست نخ نماي ضد امپریالیستی به روایتی غیر رژیم می باشد. بعضا چپ است. ریشه این تمایل البته رویدادهای جهانی و بویژه تغییرات سیاسی در کشورهای آمریکای لاتین و مشخصا نتایج فلاکتبار حمله آمریکا به عراق است. این خط به حمایت جنبش ضد جنگ که اساسا همین سیاست را دارد و بخشی از آن پشت رژیم اسلامی میرود نیز متکی است. یک هدف دیگر مباحثی که یک نوع ناسیونالیسم چپ و آنتی امپریالیسم را دامن میزند، تاثیر گذاری بر روند سیاسی جامعه ایران و پس زدن نقد سوسیالیستی و ضد کاپیتالیستی است که امروز دارد در هر گوشه جامعه ما به ازا خود را پیدا میکند. این سیاست ضد امپریالیستی مجموعا با خط جناح چپ جنبش ملی اسلامی نیز خوانائی دارد. همینجا تاکید کنم که این خط در ایران کارش نمیگیرد. اولاً خیلی بیشتر و در متن یک انقلاب اجتماعا نقد و کنار زده شده است و ثانيا احمدی نژاد و خامنه ای و جنبش اسلام سیاسی در ایران و منطقه عناصر اصلی تر این خط شدند. ایران نه آمریکای لاتین است و نه لبنان و فلسطین. آنتی امپریالیسم

یادداشت‌های پراکنده

ناصر اصغری

جمهوری اسلامی نمی‌تواند مشکل بیکاری را حل کند

"ایلنا"، خبرگزاری کار ایران روز شش دی‌ماه خبری منتشر کرده بود که گویا بر اثر یکی دو طرح از طرف رئیس سازمان کار و امور اجتماعی استان تهران، زمینه اشتغال ۱۳۰ هزار نفر در این استان فراهم خواهد شد.

این فرمایشات چند اشکال، و آنهم اشکال اساسی دارد. اولاً استان تهران دارای چندین میلیون بیکار است که ۱۳۰ هزار شغل، حتی اگر فقط تبلیغات اسلامی هم نباشد، هیچ مشکلی را از کارگران ایران حل نخواهد کرد. تنها در این استان روزانه صدها نفر به بازار کار اضافه می‌شوند. جمهوری اسلامی هیچگونه برنامه‌ای برای ریشه کن کردن بیکاری نداشته و نمی‌تواند هم داشته باشد. مسئله آنها از همان اول هم اسلام، اسلام‌گرایی، ولایت فقیه، اسرائیل، حماس و اینگونه مسائل بوده است. در ثانی ایشان طوری حرف می‌زند که انگار مشکل جامعه ایران و بخصوص کارگران با این تعداد شغل احتمالی حل خواهد شد! کارگران شغل، بعلاوه زندگی

با سرکوب مواجه می‌گردد. به این لیست میتوان ده‌ها مورد دیگر اضافه کرد.

اما این خبر نشان از وضعیت دیگری هم دارد. وضع بیکاری و بحران قراردادهای موقت، چنان گریبان رژیم را گرفته است که مجبور است برای آبروداری و ظاهرسازی هم که شده قمپز در کنند که دارند به مسئله بیکاری می‌پردازند! چه کسی است که نداند،



و قرار است تا ۱۵ دی ماه در این مجتمع شورای اسلامی کار ایجاد شود" کسی که یکی دو سال اخیر اخبار مبارزات این بخش از کارگران را دنبال کرده باشد، متوجه می‌شود که فرماندار بوشهر و مدیریت "ایران صدرا" نمی‌توانند هیچ اعتباری، حداقل در این رابطه به حساب خود

کارخانه، خود را عملاً و گاهی در درجه اول، در مبارزه با عوامل شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر دیده‌اند. این ارگانها، کارشان بو کشیدن روحیه اعتراضی کارگران و شناسائی فعالین کارگری است. اما آنچه را که کارگران "ایران صدرا" باید در نظر داشته باشند این است که با فشارهای کارگران، کارفرما خود را مجبور به نشستن بر سر میز مذاکره با کارگران دیده است، اما یک توطئه‌ای را نیز برای این کارگران دیده‌اند. فرماندار گفته است که تا ۱۵ دی ماه، شورای اسلامی کار در این مجتمع ایجاد خواهد شد.

باید متحدهانه علیه این توطئه به میدان بیاییم. امروز مطالبه انحلال



گوشه ای از اعتراضات کارگری در حال گسترش در ایران

شوراهای اسلامی کار یک مطالبه اصلی جنبش پیشرو طبقه کارگر ایران است. کارگران "ایران صدرا" همچنان که تاکنون پیشگام مبارزات اعتراضی کارگران بوده‌اند، باید در این عرصه هم پیشگام ظاهر شوند.

خشونتی لیبرالیسم ایرانی از اعدام صدام حسین

سایت "ادوار نیوز"، سایت "ادوار تحکیم وحدت" همچون دیگر جناح‌های جمهوری اسلامی نتوانست شادی خود را از اعدام صدام حسین پوشیده نگه دارد. مسئله دادگاه و حکم اعدام و اعدام صدام حسین برای آمریکا به یک افتضاح سیاسی تبدیل شده بود. جز اسلامی‌های ایران، کمتر کسی برای این نمایش دست زد و هورا کشید. مریم شبانی، یکی از نویسندگان این سایت این اعدام را "هدیه‌ی عید

بگذارند. کارگران برای برآورده شدن مطالباتشان پیگیری کرده‌اند و در یک صف متحد و متشکل ظاهر شده‌اند.

در نشست نمایندگان کارگران با فرمانداری بوشهر، به نظر می‌رسد که فرمانداری به انعقاد قراردادهای بلند مدت تن داده است. همچنین زیر فشار مبارزه کارگران، کارفرما مجبور شده است که قرارداد کارگرانی که اخیر به پایان رسیده‌اند را نیز دوباره تمدید کند. - توجه فعالین کارگری را که یک مشغله‌شان قراردادهای موقت است به این موضوع جلب می‌کنم - اما یک رابطه عدم وجود شوراهای اسلامی کار و پیشروی کارگران در این شرکت نیز بطور مشخص برجسته است. هر جا که ارگانهای جاسوسی و سرکوب رژیم - شوراهای اسلامی کار - موجود بوده‌اند، کارگران علاوه بر رودرویی با فرماندار شهر و مدیریت

مشکل کارگران ایران با اینجور چیزها حل نمی‌شود. مشکل جامعه ایران رژیم جمهوری اسلامی با هزار و یک مشکل آفرینی‌ای که به جامعه تحمیل کرده است، می‌باشد. مردم ایران یک بار برای خلاصی از این نوع بحرانها انقلاب کردند و اکنون دیگر مسجل گردیده که برای خلاصی از این معضلات تنها راه حل واقعی، روی آوری به یک انقلاب سوسیالیستی است که در سال ۵۷، دار و دسته اسلامی با حمایت دول غرب جلوی آن را گرفتند.

کارگران "ایران صدرا" فقط به پیش!

فرماندار بوشهر گفته است که "۹۰ درصد از خواسته‌های کارگران "ایران صدرا" توسط مدیریت برآورده شده است." وی همچنین گفته است که "۱۲۰۰ کارگر این شرکت از داشتن شورای اسلامی کار محروم هستند.

فریان به مردم زجر کشیده عراق خواند. این سایت و سایت دیگر تحکیم وحدت، "تحکیم نیوز"، بخصوص در چند ماه گذشته سرمدار دفاع از لیبرالیسم و حمله به مارکسیسم و لنین شده‌اند.

میشود در باره لیبرالیسم کتاب‌ها نوشت. اما مسئله جناح‌های جمهوری اسلامی - چه در قدرت و چه در حاشیه قدرت - ابتدا لیبرالیسم نیست. مسئله تحکیم وحدتی‌ها به عنوان جناح منزوی شده و دور نگه داشته شده از اداره کشور، همچنانکه بارها گفته‌ایم، ناکارائی زور و اسلام لخت و عربیان در مقابل چپ‌گرایی و رادیکالیسم رشد یافته در جامعه ایران است. آخرین غمشان نبود "دمکراسی و لیبرالیسم" در این کشور است. اینها دست به دامن "لیبرالیسم"، "دمکراسی"، "سوسیال‌دمکراسی" و غیره شده‌اند، چون آبروی اسلام‌شان بدجوری رفته است. بوی گندش مشام هر انسان با شرفی را می‌آزارد. اما غافل از اینکه همین مقولاتی که ایشان در فکر آویزان شدن به آن هستند، دورانشان سر آمده است.

اما برگردیم به صدام حسین. صدام حسین هر چه باشد، هر چه کرده باشد، هر بلائی سرش می‌آمد، در مقابل قلدری آمریکا در منطقه و ویران کردن کشور عراق، امری ثانوی است. مسئله ابتدا مرگ صدام نیست. مسئله این است که آمریکا می‌خواهد با قلدری نظامی در مقابل رقبای پر قدرت اقتصادی چون چین و اروپای واحد، ضعفهای اقتصادی خود را بپوشاند و ابر قدرتی خود را تثبیت کند. تحکیم وحدت این را خوب می‌داند؛ اینها اما کسانی هستند که از مهره‌های اصلی این رژیم بودند و خود در سازماندهی قتل عام‌های مخالفین سیاسی نقش اصلی داشته‌اند. حتی اگر فکر کنند روسو و ولتر هم هستند باز تنها راه حل شان قتل و اعدام است. هنوز در اسلام غرق‌اند.

سایکوپتهانی چون صدام حسین و رهبران دفتر تحکیم وحدتی‌ها چون خمینی و احمدی‌نژادها، و خود تحکیم وحدتی‌ها، الحق باید محاکمه بشوند تا پرده از جنایاتشان برداشته شود، اما آمریکا در مقامی نیست که کسی را محاکمه و اعدام کند، خود باید محاکمه شود.*

اتوبوس زنانه و حجاب پیش به سوی مارس بدون حجاب



شراره نوری

باید همه آزادی و برابری را با هم خواست. برای رسیدن به حقوق برابر زن و مرد، باید همه این حقوق را با هم و یک جا خواست. باید حکومت اسلامی زن ستیز را در گوشه رینگ قرار داد تا جرات نکند به فکر اعمال آپارتاید جنسی به هر بهانه ای باشد. باید رفت سراغ پایه های هویتی زن ستیزانه جمهوری اسلامی. باید حجاب را برداشت. حجاب سمبل تحقیر زن و کلید زن ستیزی حکومت اسلامی است. اگر حجاب را برداریم دیگر حکومت اسلامی توان اعمال آپارتاید جنسی و تحقیر و سرکوب زنان و جامعه را ندارد. ۸ مارس نزدیک است. نباید به یک تجمع ساده زنانه قناعت کرد. تعداد هر چه بیشتری را باید به مراسم های ۸ مارس آورد. ولی مهمتر از همه باید پایه های تحقیر زن و زن ستیزی جمهوری اسلامی را کوبید و خراب کرد. امسال سال حجاب برگیران است. شعار ۸ مارس امسال "حجاب بی حجاب" باید باشد و راستش از شعار باید فراتر رفت و عمل کرد. هرکجا که امکانش هست در کوه و کلاس و مدرسه و دانشگاه و جشن و مراسم ۸ مارس باید حجاب را برداشت و لغو حجاب را باید به خواستی عمومی تبدیل کرد و به طور جدی مطرح کرد. همه زنان و مردانی که به حقوق برابر زن و مرد معتقدند باید در عمل هم به سمبل بردگی زن و اهرم زن ستیزی جمهوری اسلامی اعتراض کنند و برای حذف حجاب از جامعه تلاش کنند. ۸ مارس جشنی زنانه و مراسمی فانتزی نیست. مبارزه علیه سرکوب و خفقان است. پیش به سوی ۸ مارس بدون حجاب.*

به دنبال طرح تاکسی با راننده زن، جمهوری اسلامی طرح اتوبوس با راننده زن را به اجرا گذاشته است. اولین اتوبوس با راننده زن در تهران خط امام حسین انقلاب راه اندازی شد البته این اتوبوس فقط مسافریین زن را جا به جا می کند و البته کرایه اش هم ۱۰۰ تومان است و وابسته به بخش خصوصی است.

۲۷ سال است جمهوری اسلامی تلاش می کند با پوزن و توسری حجاب را به زنها تحمیل کند و آپارتاید جنسی را دامن بزند ولی جنبش آزادی و برابری طلبی زن ها در ایران از این سد ها گذشته است و به حجاب و آپارتاید و نابرابری گفته است "نه!". زن های سرپرست خانوار، زن های جویای کار، دخترانی که به دنبال کار می گردند و یا از دانشگاه و آموزشگاه بیرون آمده اند دیگر الگوی زن فرمانبر پارسا را بر نمی تابند. الگوی "زهرا خانه دار"ی که بچه می زاید و به مردش تمکین می کند در جامعه عملاً قابل قبول نیست. زنها را دیگر نمی توان به ضرب دنگ و تو سری خانه نشین کرد. البته جمهوری اسلامی باز هم تلاش می کند از همین فرصت هم برای اعمال دیوار آپارتاید جنسی استفاده کند و اتوبوس مربوطه را فقط برای زنها اختصاص داده است. تازه از پولش هم نمی گذرد و کرایه اش از سایر اتوبوس ها گران تر است و تازه تر از همه اینکه به گسترش بخش خصوصی که منجر به کاهش خدمات اجتماعی می شود کمک می کند. همه این ها را جمهوری اسلامی می خواهد به جامعه تحمیل کند.

جمهوری اسلامی سرمایه داری را باید قدم به قدم از همه سنگر هایش عقب راند. اگر در مقابل جنبش زنان برای کسب برابری حقوق اجتماعی یک قدم عقب می نشیند تلاش می کند سنگر های دیگری را تسخیر کند. نباید اجازه داد این سد آپارتاید جنسی را گسترش دهد و تازه به سایر خدمات اجتماعی حمله کند و کم شان کند.

داشتند که با حمله متقابل و تعرض به چندین ماشین دولتی ناچار به عقب نشینی شدند. در این جنگ و گریز یک دستگاه اتوبوس نیروهای انتظامی و چندین ماشین دیگر حامل نیروهای انتظامی و فرماندار که به این محل آمده بودند مورد حمله مردم قرار گرفت و درهم شکسته شدند.

بر اساس گزارشی که به کمیته کردستان حزب رسیده است جمعی از مردم سقز طی اطلاعیه ای از همه مردم معترض این شهر خواسته اند فردا ۱۴ دی ماه در مقابل فرمانداری تجمع کنند و خواهان اقدامات فوری مقامات دولتی برای حل مشکل گاز این شهر شوند. حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت قاطع از اعتراض مردم سقز از همه مردم می خواهد که در این تجمعات اعتراضی شرکت کنند و دولت را ناچار کنند بدون فوت وقت معضل گاز این شهر را برطرف نماید. لازم به توضیح است که چندین شهر دیگر در کردستان بر اثر قطع گاز دچار مشکل زیستی شده اند. مردم در سرمای چندین درجه زیر صفر با مشکلات زیادی روبرو شده اند و تا کنون چند نفر جانشان را از دست داده اند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ دی ۱۳۸۵

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4
Vertical

دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

تجمع و تظاهرات اعتراضی مردم سقز نمایش قدرت مردم علیه رژیم بود

کردند. به دنبال جنگ و گریزی که نیروهای انتظامی آغازگر آن بودند مردم به ساختمان شورای اسلامی شهر سقز حمله کردند و اعضا این شورا را مورد حمله قرار دادند. این تجمع در ادامه خود به تظاهرات خیابانی منجر شد. مردم در خیابانهای شهر راهپیمایی را آغاز کردند.

مردم در طول راهپیمایی شعار میدادند:

گاز را منصفانه تقسیم کنید!
صادرات چرا ما محتاجیم!
گاز را در سرما می خواهیم نه در گرما!

در این سرما و بی گازی مسئولین دولتی! جواب می خواهید!
حق خود را با سکوت نمی خواهیم!

این راهپیمایی از مقابل فرمانداری و میدان قدس به میدان هلو و از آنجا به طرف گاراژ این شهر ادامه پیدا کرد. در این مسیر تعداد مردم تظاهرات کننده به بیش از ۱۰۰۰ هزار نفر رسیدند.

در مسیر راهپیمایی مردم خشمگین که چند روز قبل سه نفر از عزیزانشان را به دلیل قطع گاز از دست داده بودند همه بانکهای این مسیر را مورد حمله قرار داده و در هم شکستند. نیروهای انتظامی یک بار دیگر قصد حمله به مردم را

مردم خشمگین این شهر چندین بانک را در هم شکستند و چندین ماشین نیروی انتظامی را مورد حمله قرار دادند. مردم فرماندار و معاونش را مورد حمله قرار داده و کتک کاری کردند

طبق اخباری که به کمیته کردستان حزب رسیده است [۱] امروز ۱۳ دی ۱۳۸۵ ساعت ۱۰ صبح حدود ۳۰۰ نفر از مردم معترض این شهر در اعتراض به نبود گاز در مقابل فرمانداری تجمع کردند و خواهان جوابگویی مسئولین دولتی شدند. لازم به توضیح است که به علت نبود گاز و استفاده از نفت برای گرما، چند روز قبل در شهر سقز یک خانه مسکونی دچار حریق شد و سه کودک و نوجوان سوختند و جانشان را از دست دادند.

تجمع امروز با فراخوان جمعی از مردم صورت گرفت کهک دیروز طی اطلاعیه ای از مردم شهر سقز خواسته بودند که در اعتراض به نبود گاز در این سرمای زمستان در مقابل فرمانداری تجمع کنند.

به محض تجمع مردم در مقابل فرمانداری نیروهای انتظامی تلاش کردند که تجمع مردم معترض را مانع شوند. این اقدام نیروهای انتظامی با مقابله قاطعانه مردم روبرو شد و فرماندار و معاونش را مورد حمله قرار دادند و کتک کاری

یک دنیای بهتر

برنامه

حزب کمونیست

کارگری ایران

را بخونید!

به حزب

کمونیست

کارگری

پیوندید!

اطلاعیه مطبوعاتی

دادگاه نازنین
فاتحی روز ۱۰
ژانویه است

دادگاه نهایی رسیدگی به پرونده نازنین فاتحی در تهران روز ۱۰ ژانویه برگزار میشود. نازنین وقتی ۱۷ ساله بوده، در شهر کرج، مورد تعرض سه جوان قرار گرفته و در جریان دفاع از خود و دختر برادرش سمیه که ۱۶ ساله بوده، متهم است که یکی از این جوانان را به قتل رسانده است.

کمپین گسترده ای از سوی کمیته بین المللی علیه اعدام و نازنین افشین جم در کانادا برای نجات جان نازنین فاتحی در جریان است. از روز ۱ تا ۱۰ ژانویه، کمپین نجات نازنین در صدد است با انجام مجموعه برنامه هایی یکبار دیگر توجه ها را به موقعیت نازنین، به اعدام کودکان و نوجوانان در ایران و اعدام در ایران جلب کرده و کاری کند تا جان نازنین بدلیل اعتراضات بین المللی و اعتراض مردم در ایران نجات یابد.

کبرا رحمانپور و شهلا
جاهد در آستانه
نجات از اعدام

طبق اخباری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده، حکومت اسلامی ایران در آستانه زانو زدن در مقابل اعتراضات گسترده بین المللی و اعتراض مردم در ایران بر علیه احکام اعدام کبرا رحمانپور و شهلا جاهد است.

کبرا هفت سال است که به اتهام قتل مادر شوهرش در زندان است و محکوم به اعدام. کبرا در یک خانه، بعنوان خدمتکار کار میکرده که مورد تجاوز مردی قرار میگیرد که از پدرش نیز بزرگتر بوده است. بعد از شکایت کبرا از این تجاوز، مردی که به او تجاوز کرده از کبرا میخواهد با او ازدواج کند و کبرا بعد از ازدواج با این مرد بارها مورد آزار قرار گرفته و سپس در یک روز بعد از حمله مادر شوهرش به او با چاقو در جریان دفاع از خود مادر شوهرش به قتل میرسد. و کبرا همان روز دستگیر و چند روز بعد به اعدام محکوم میشود. کمپین نجات کبرا یکی از بزرگترین و موفقترین فعالیتهای در مبارزه علیه اعدام بوده است. مقامات حکومت اسلامی گفته اند که ۹۰ درصد مردم ایران مخالف این حکم اعدام هستند و اکنون میخواهند عقب نشینی کرده و حکم اعدام را زیر فشار اعتراضات لغو کنند.

شهلا جاهد هم که به اتهام قتل در زندان است، در دنیا یک چهره معروف است. فیلم دادگاههای او در چندین سینما در هلند نمایش داده شده و به عنوان فیلم مستند جوایزی نیز گرفت. کمپین نجات شهلا در دنیا توجه های زیادی را به موقعیت زنان در ایران و قتل عمد دولتی جلب کرد. اکنون شایعه لغو حکم اعدام او در میان است و ممکن است رژیم اسلامی در اینمورد نیز مجبور به عقب نشینی شود.

دلارا دارابی، نقاش و
بیانیست و شاعر
در آستانه اعدام

دلارا ۱۹ سال دارد و به اتهام قتل در زندان است. او به اعدام محکوم شده است. او هنرمند است و نمایشگاه نقاشی های او در تهران مورد توجه زیادی قرار گرفت. اکنون خانواده دلارا از همگان میخواهند کمک کنند جان دلارا جوان نجات یابد. همچنین پدر دلارا میخواهد که او به زندان دیگری منتقل شود. چرا که در زندان رشت مورد اذیت و آزار زیادی است.

حمزه ۱۷ ساله
به اعدام محکوم شد

حمزه فقط ۱۷ سال سن دارد. او در جریان یک نزاع با دوستش مهدی ۲۰ ساله، با چاقو به او حمله کرده و مهدی بعد از هفت ماه اخیرا در بیمارستانی در تهران درگذشت. جمهوری اسلامی ایران حمزه را به اتهام قتل به اعدام محکوم کرده است. و جان حمزه در خطر است. کمیته بین المللی علیه اعدام با خانواده و وکلای این محکومین به اعدام در ارتباط دائمی است و میکوشد جان این افراد را نجات دهد.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان میخواهد کمک کنند جان این افراد را نجات دهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۵ ژانویه ۲۰۰۷
www.adpi.net
00491775692413

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

از صفحه ۱ اعدام صدام حسین ...

است که در برابر واقعیات اقتصادی و روند های سیاسی جهان امروز که در جهت تضعیف اقتدارش کار می کنند، به تنها سلاح واقعی که در اختیار دارد، یعنی نظامی گری و خشونت عریان دولتی، روی می آورد. این معنای واقعی دموکراسی ای است که می خواهند در عراق بر پا کنند.

اعدام صدام حسین ذره ای به اجرای عدالت ربط ندارد، و ذره ای از مشقات مردم عراق کم نمی کند. اگر قرار است "عدالت" به یکسان اعمال شود، بوش، بلر، خامنه ای، احمدی نژاد، طالبان و چندین رئیس جمهور و نخست وزیر دیگر، در کنار صدام، در ردیف اول متهمین جنایت علیه بشریت قرار می گیرند. این اعدام ربطی به جنایات غیر قابل وصف رژیم صدام و کشتار دهها هزار نفر از مردم بیگناه در طول ۳۵ ساعت حاکمیت سبعانه و خونین آن رژیم ندارد. صدام می بایست در دادگاهی عادلانه، علنی و در برابر انظار مردم دنیا بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه می شد و پرونده جنایاتش و اسرار حمایت سیاستمداران داخلی و بین المللی از رژیمش فاش می شد. اعدام او قرار بود دقیقا جلوی همین را بگیرد. این قتل سیاسی بود.

اعدام شنیع ترین نوع قتل عمد است. متعلق به دوران بربریت بشر است. تکرار قتل و ابقا فرهنگ قصاص و خشونت است. ایزاری در دست حاکمان برای ارباب و نفی فیزیکی مخالفین است. اعدام صدام کینه توزی و جنگ قومی و مذهبی را در آن کشور تشدید خواهد کرد. الغای مجازات اعدام در راس نخستین فرمان های انقلاب پیروزمند کارگری خواهد بود. *

رادیو انترناسیونال

۴۹ متر ردیف ۶۲۲۵ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

یا سوسیالیسم یا بربریت!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند موضوع: حزب و حزیت

(سمینار دوم)

رئوس بحث

ویت و ضرورت وجودی حزب برای طبقه کارگر. خصلت طبقاتی حزب. حزب و جنبشهای اجتماعی. تبیین کمونیسم کارگری از حزب. حزیت، علنیت، فردیت. مکانیسمهای تصمیم گیری و عملکرد حزبی (اتحاد سیاست و اجرای سیاست). حزب و شخصیتها. ساختار تشکیلاتی حزب (رهبری، کادرها، اعضا). حزب و جامعه، حزب و قدرت سیاسی، حزب و انقلاب.

سخنران: حمید تقوایی

زمان: یکشنبه ۷ ژانویه ۲۰۰۷، ۱۷ دی ۱۳۸۵

ساعت ۲ تا ۷ بعد از ظهر

مکان: تورنتو 5100 Younge St.
North York Civic Centre
Committee Room: 3

ورودی: ۵ دلار

ورود اعضای انجمن مارکس کانادا رایگان است

ورود برای عموم آزاد است

marx_can1@yahoo.com

مسئول انجمن مارکس کانادا: محسن ابراهیمی

"جهان سومی" و ناسیونالیستی در سیاست ایران تنها سیاستی است علیه کمونیسم مارکسیستی و انتقاد ضد کاپیتالیستی جنبش سوسیالیستی کارگران. باید این جریان را زیر فشار قرار داد و با قدرت و استدلال و بسیج جامعه هرگونه تلاش این خط را در حاشیه یا بیرون رژیم نقد و افشا کرد و ماهیت رژیم و ضد مردمی آن را به جامعه نشان داد.

خطوط

یک سیاست کمونیستی

۱- محکومیت این قطعنامه در سطح کنونی موضوعیتی برای جنبش آزادی و برابری ندارد. ما همیشه مخالف شدید فروش تجهیزات نظامی، جاسوسی و اطلاعاتی به رژیم اسلامی بودیم. ما همیشه مخالف تسلیح رژیم برای سرکوب مردم و قلدردی اسلامی در ایران و منطقه بودیم. تسلیح رژیم توسط دولتها نامش میادلات اقتصادی نیست، بلکه همکاری تروریستی است. طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم ایران نه فقط خواهان تسلیح رژیم به سلاح هسته ای نیستند بلکه خواهان خلع سلاح کامل رژیم اسلامی توسط یک انقلاب اند. ما در جدال بوش - خامنه ای جانبدار نیستیم، بلکه علیه هر دو هستیم. یک سیاست اصولی جانبداری از این یا آن سوی جدال و یا محکومیت یک طرف این جدال نیست. تبیین منافع مستقل مردم علیه این اوضاع است.

۲- ما علیه سیاست تحریم اقتصادی بعنوان یک سلاح کشتار جمعی مردم، علیه هر نوع تهدید جنگ و یا "بمباران پیشگیرانه"، علیه تولید سلاح هسته ای و سلاحهای کشتار جمعی در سراسر جهان، علیه تقویت نظامی و مذاکره با رژیم اسلامی، و علیه برسمیت شناسی این رژیم در جامعه جهانی بعنوان "دولت ایران" هستیم. ما خط مشی انزوا سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی، اخراج نمایندگان آن در مجامع جهانی، و بستن کلیه سفارتخانه های رژیم بعنوان مراکز لجستیک عملیات جاسوسی و تروریستی را دنبال میکنیم. رژیم آپارتاید اسلامی در ایران از رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی

از صفحه ۱ ۱۶ آذر امسال ...

ابزارها برای سرکوب و عقب راندن مبارزات مردم به نمایش میگذارد.

شانزده آذر

یک روز تاریخی و سرخ

همانطور که در ابتدای نوشته اشاره کردم، تصویر سال گذشته با ۱۶ آذر سرخ و با پلاکاردها و قطعنامه هایش کامل شد. این صدای چپ و کمونیسم در جامعه بود که در شانزده آذر در دانشگاهها در سطحی سراسری و گسترده بلند شد و سوسیالیسم را فریاد زد. ما در این روز همبستگی وسیع بین جنبش اعتراضی دانشجویان با کارگران و جنبش آزادی زن را شاهد بودیم. ما در این روز شاهد این بودیم که جامعه داشت آترناتیو خود را در برابر گرایشات اصلاح طلب و سازشکار و جستجوی هر گونه راه حلی برای تغییر و تحول از بالا و غیره قرار میداد و خود را از ناسیونالیسم و قومگرایی و غیره متمایز میکرد. از این رو ۱۶ آذر امسال روزی با شکوه و تاریخی بود و آینه تمام عیار سال گذشته بود. *

زندانیان را شدت داد، اما با اعتراض همزمان و سراسری زندانیان علیه این فشارها، اعتراض گسترده علیه بند مخوف ۲۰۹ اوین و قرار دادن زندانیان خطرناک در کنار زندانیان سیاسی و ضرب و شتم زندانیان بودیم. بویژه اکنون زندانیان سیاسی توانسته اند دیوارهای سانسور را با مبارزات خود بشکنند و اخبار اعتراضات آنها فوراً به بیرون از زندان و در سطح جهانی انعکاس می یابد و این خود باعث رشد گیری مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و شکل گیری کمپینی گسترده برای باز کردن درب زندانها شده است. همچنین ما امروز شاهد تحرك بیشتری در میان خانواده های زندانیان سیاسی هستیم. مجموعه اینها نشان دهنده اینست که جامعه امروز دارد فریاد میزند که دیگر زندان بس است. دیگر اعدام بس است و بیش از پیش ناتوانی رژیم را در بدست گرفتن این

کمونیستها و انسانهای آزادیخواه در تقابل با قومگرایی و تبلیغات ناسیونالیستی قرار داد. اما رشد چپ در جامعه و جلوی صحنه آمدن بیشتر آن، این گرایشات را در موقعیت ضعیفتری قرار داد. از جمله در ۱۶ آذر شعار "تنها یک نژاد، نژاد انسانی" پاسخ چپ جامعه در قبال این گرایشات بود.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

سال گذشته گسترده تر از هر سال ما شاهد مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بودیم. شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد به شعار مردم در اعتراضات تبدیل شده است. مهمتر اینکه نه تنها در بیرون از زندان بلکه در درون زندانها، ما شاهد اعتراضات گسترده ای از سوی زندانیان سیاسی بودیم. ما شاهد این بودیم که رژیم در ادامه سیاست سرکوب خود در جامعه فشار بر روی

آن به نفع یک جامعه انسانی و آزاد و خوشبخت مبارزه میکنیم. وقت آنست که پیشروان و رهبران کارگری، رهبران جنبشهای آزادیخواهانه و برابری طلب، نسل جوان و مردم محروم ایران بمیدان

بیایند و با سیاستی روشن و انسانی کل این ماجرا را به نفع مبارزه انقلابی خود بهم بریزند. آینده را نه بوش میسازد نه احمدی نژاد. همه چیز به اتخاذ سیاست روشن کمونیستی و پراتیک آگاهانه ما گره خورده است. *



در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



پشت صحنه اعدام صدام

اعدام صدام حسین بخودی خود بیانگر ماهیت و آینده دولت دست پروده عراق و افشاگر عمق ریاکاری دولتهای دموکراتیک غربی بود. اما انتشار یک فیلم غیر حرفه ای از لحظات قبل از اعدام صدام، برای دولت لوزان عراق و برای سیاست‌گزاران آمریکا که این دولت قومی مذهبی را سرهم بندی کرده اند، این روزها بیش از همه درد ساز شده است. در آن لحظات کسانی از محافظان یا اعدام کنندگان صدام در حمایت از مقتدا صدر و موسی صدر پدرش شعار میدهند، صدام چیزی میگوید و آنها به او میگویند "برو به جهنم". او را که دست و پا بسته است تحقیر میکنند و مورد توهین قرار میدهند. فضا همه چیز را نشان میدهد جز یک فضای رسمی و رعایت حقوق اعدامی. هرکس که این فیلم را می بیند تردید به خود راه نمی دهد که دولتی در کار نیست. قانون و حقوقی در کار نیست. یک باند که متعلق به مقتدا صدر است دارد به شیوه ای عشیرتی و قرون وسطایی انتقام پدر این آخوند شیعی را از صدام میگیرد. جدا از عدم رعایت ابتدایی ترین حقوق متهم سوال اینست که آیا این دولت عراق است که صدام را محاکمه و اعدام کرده یا یک گروه اسلامی تندرو؟ اینها که با آمریکا سر جنگ داشته اند چگونه صدام را توانسته اند از مقامات آمریکایی تحویل بگیرند؟ آیا بند و بستهایی از جانب آمریکا با گروههای تروریستی در جریان است؟ رسماً قرار نبوده است که مقتدا صدر نقشی در دولت داشته باشد اما ظاهراً اینها سکان های اصلی را در دست دارند و حتی مستقیماً صدام را از آمریکا تحویل گرفته اند.

جالب اینست که نه دولت آمریکا و نه دولت دست پرورده اش توضیحی در مورد خود ماجرا و این سوالات و صدها سوال مشابه این ندادند. فقط بدنبال این هستند که چه کسی این فیلم را گرفته و منتشر کرده است. مشکلمان اینست که

انتشار این فیلم نفرت و کینه مذهبی میان گروههای سنی و شیعی را بیشتر دامن خواهد زد و اوضاع را بیش از پیش بحرانی خواهد کرد. بقیه ماجرا زیاد مهم نیست. زیاد قابل توضیح و پرده پوشی هم نیست. به همین دلیل دوتن از محافظان صدام را در رابطه با گرفتن و انتشار فیلم همین روزها مورد بازخواست قرار داده اند. اما یک کلمه در مورد اینکه حقوق اعدامی زیر پا گذاشته شده و غیره و چه کسی در حمایت از مقتدا صدر شعار داده نگفتند. معلوم است که خودشان میدانند که چه کسانی بوده اند و انتظار دیگری هم نداشته اند و جلوی چشمشان این اتفاق افتاده است. کاملاً واضح است که از نظر آنها اگر فیلمی منتشر نمیشد مساله ای هم نبود.

دولت عراق رسماً یک دولت مذهبی و قومی و دست ساز آمریکاست. این را همه میدانند. خود دولت آمریکا و دولتی ها هم آنرا پرده پوشی نمیکند. اما افشای چند لحظه از پشت پرده اعدام صدام حسین این را به همگان نشان داد که کار از این حرفها خرابتر است. یک منجلاّب تمام عیار است. بحث بر سر این نیست که جنس سیستانی و طالبانی و حکیم و جعفری و غیره، از جنس مقتدا صدر بهتر است. جنس همه شان بهمراه خود گردانندگان حکومت آمریکا خراب اندر خراب است. این نظام و این سیستم سیاسی چیز دیگری تولید نمیکند. گردانندگان باید همین نوع جانوران باشند. همگی یک مشت جنایتکار و شارلاتان تمام عیارند. اما آنچه افشا شد راه را حتی بر آبرو داری نیم بند ظاهری هم بست. انسان احساس میکند فیلمی از قرون وسطا و اعصار تاریک گذشته را دارد نظاره میکند.

گرمای زمین به نقطه غیر قابل بازگشت میرسد

ظاهراً همه مشغول کار دیگری هستند و کسی وقت ندارد که به مشکل گرمای زمین فکر کند.

گزارشهای متعددی از دانشمندان مختلف در گوشه و کنار جهان میگوید که زمین دارد به نقطه غیر قابل بازگشت نزدیک میشود. یعنی جایی که دیگر برای جلوگیری از فاجعه انسانی کاری نمیشود کرد و بشر باید تسلیم بلایایی غیر قابل تصور و نهایتاً نابودی شود. از جانب دانشمندان تا کنون بارها در این مورد هشدار داده شده است. آخرین مورد آن در کنفرانسی در بریتانیاست که دانشمندان میگویند اگر تا ده سال آینده کاری جدی صورت نگیرد دیگر اساساً کاری نمیشود کرد. بنا به گزارش تازه ای از بی بی سی در کنفرانسی مربوط به گرمایش زمین در شهر نورویچ در بریتانیا دانشمندان اعلام کرده اند که روند گرمایش زمین به سرعت به نقطه غیر قابل بازگشت نزدیک میشود. در این گزارش از جمله آمده است "دانشمندان دست اندر کار "پروژه اروپایی" که با نمونه برداری از اعماق سفره یخی قطب جنوب درباره میزان دی اکسید کربن تحقیق می کنند ... نشان داده اند که میزان دی اکسید کربن، که یکی از عمده ترین گاز های گلخانه ای است، اکنون از هر زمان دیگر در ۸۰۰ هزار سال گذشته بسیار بیشتر است. آنها نتیجه گرفته اند که اگر گرمایش زمین با سرعت فعلی ادامه یابد ممکن است تنها یک دهه طول بکشد تا این روند به نقطه غیرقابل بازگشت برسد".

نحوه فنی تحقیقات را متخصصین میدانند و ظاهراً از طریق هوای محبوس شده در حفره های کوه های یخ بجا مانده از اعصار گذشته توانسته اند میزان دی اکسید کربن تا ۸۰۰ هزار سال گذشته تاکنون را اندازه گیری کنند. و تاکنون نشان داده اند که طی ۱۷ سال گذشته این میزان به سرعتی وحشتناک افزایش یافته و موازی آن گرمای زمین هم افزایش یافته است. چندی پیش گزارشی را میخواندم که نوشته بود به فاصله تنها چهل سال شهرهای بزرگی مثل نیویورک و توکیو و چندین شهر بزرگ دیگر و حتی چند کشور کوچک به زیر آب خواهند رفت. و کاری برای پیشگیری از این فاجعه نمیتوان کرد. اگر این گزارش دقیق باشد فقط حدود چهل سال تا چنین فاجعه ای مانده است! (البته فوراً باید به

ناسیونالیستهای کودن شرقی مثل نوع خودمانیش در ایران و یا انواع عربی و ترکیش یادآوری کرد که دل به نابودی غرب از طریق گرما و سیل خوش نکنند و فکر نکنند که آن طرفها خبری نخواهد بود. وقتی که در غرب گرما یخ ها را آب میکنند قبل از آن در شرق خشکسالی و امراض جدید و ناشناخته فجایع بشری را به حد غیر قابل تصویری رسانده است)

برای جلوگیری از فجایع ناشی از آلودگی و گرمای زمین اساساً دولتها باید بوجه های جدی ای را برای پیدا کردن راههای جلوگیری از افزایش "گازهای گلخانه ای" انجام دهند. اما مشغله شان چیزهای دیگری است. اینجا هم سود و رقابت و بازارهای نفوذ و سازمان دادن تروریسم و امثال اینها اجازه نمیدهند که کمی دست نگه دارند و به چیزی فکر کنند که همه را به یکسان نابود خواهد کرد. هم آنها را هم رقبایشان را هم کارگران و مردم را. حتماً صاحبان قدرت و سرمایه خیالشان راحت است که اگر کار بجاهای باریک رسید میتوانند با پیشرفت تکنیک خودشان را به کره دیگری که هوایشان بهتر باشد برسانند. یا کارها و برنامه هایی که برای مردم عادی قابل تصور نیست را برای خودشان در دستور دارند اما هرچه باشد این روند را بشریت باید متوقف کند. جالب اینست که دولت جرج بوش و مشخصاً شخص ایشان این خطر را بکلی انکار میکنند! اینکه سرمایه گذاری نمیکند یک چیز است اما انکار واقعیتی که مثل آفتاب قابل دیدن است بحث جالبی است. البته

جای تعجبی هم نیست که دولتی که دارد تمام تلاشش را میکند که تدریس خرافات مذهبی را به سیستم آموزشی در آمریکا وارد کند، یافته های علمی را هم انکار نماید. اینجا هم آنچه روشن است اینست که بشر باید برای جلوگیری از نابودی خویش مستقیماً علیه نظام موجود دست بکار شود و کاری بکند. آیا میتوان امیدوار بود که تا قبل از اینکه کار به نقطه غیر قابل بازگشت برسد، جهان و قدرت تصمیم گیری در مورد شروتها و امکاناتش در دست مردمی قرار گیرد که مشکل اصلی شان سود های شخصی شان نیست بلکه نفس جامعه انسانی است؟ با مشاهده واقعیتهای تاریک امروز پاسخ مثبت به این سوال بسیار خوش بینانه بنظر میرسد. اما اگر تاریخ به ما میگوید که علیرغم ادعاهای بورژوازی، همین حد از حقوق انسانی که امروز در جوامع رعایت میشود نیز با مبارزه و نبرد سنگر به سنگر کارگران و مردم زحمتکش و محروم طی سده های اخیر تاکنون ممکن شده است، مقابله با نابودی محیط زیست را نیز میتوان با مبارزه ای جدی و گسترده و جهانی علیه نظام سرمایه داری و حکومتهایش به جریان انداخت. بورژوازی و دولتهایش نسبت به مصالح انسانی براستی کورند. این کار کارگران و مردم است که هشدارها را جدی بگیرند و تا دیر نشده پا به میدان بگذارند و مانع نابودی محیط زندگی انسانی شوند. در این هیچ تردیدی نباید داشت و تاخیری نباید کرد. *

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Frequency: 11494
Symbol Rate: 17469
FEC: 3/4
Vertical

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!